

دعای ۱۶۲- در اظهار ترس از خداوند



اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَنِيْ سَوِيًّا، وَرَبَّيْتَنِيْ صَغِيْرًا، وَرَزَقْتَنِيْ
مَكْفِيًّا.

خداوندا! تو مرا در کمال آفریدی و در خردسالی پروراندی و
روزی امر را کافی و بی کم و کاست عطا کردی

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ وَجَدْتُ فِيْمَا اُنْزِلَتْ مِنْ كِتَابِكَ،
وَبَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ، اَنْ قُلْتُ:

خداوندا! من در کتابی که فرو فرستادی و بندگان را بدان
نوید دادی، این سخن تو را یافته ام که فرمودی:

﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اَسْرَفُوا عَلَى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا
مِنْ رَّحْمَةِ اللّٰهِ، اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِيْعًا﴾،

ای بندگان من که در حق خود اسراف کردید، از رحمت خدا
ناامید نشوید؛ بی گمان، خداوند همه گناهان را می آمرزد.

وَقَدْ تَقَدَّمَ مِنِّيْ مَا قَدْ عَلِمْتَ، وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ
مِنِّيْ، فَيَا سَوَاتَا مِمَّا اَحْصَاهُ عَلَيَّ كِتَابُكَ،

از من گناهانی سرزده که توبه آنها آگاهی، و حتی اموری
هست که توبه آنها از من داناتری، پس وای به رسوایی من از
آنچه نامه اعمالم علیه من ثبت کرده است!



فَلَوْلَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أُؤَمِّلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِي شَمِلَ
كُلَّ شَيْءٍ لَأَلْقَيْتُ بِيَدِي،

اگر به جلوه‌های عفو و بخششت که همه چیز را فرا گرفته
امید نداشتم، یقیناً خود را تسلیم هلاکت می‌کردم.

وَلَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ، لَكُنْتُ أَنَا
أَحَقُّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ،

و اگر کسی می‌توانست از پروردگارش بگریزد، من (به سبب
گناهانم و شدت خوفم) سزاوارترین فرد برای فرار از تو بودم.

وَأَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي
السَّمَاءِ إِلَّا أَتَيْتَ بِهَا، وَكَفَى بِكَ جَازِيًا، وَكَفَى بِكَ
حَسِيبًا.

حال آنکه هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان بر تو مخفی
نمی‌ماند، مگر اینکه آن را آشکار می‌سازی. و تو برای پاداش‌دهی
و حسابرسی کافی هستی.

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ طَالِبِيْ اِنْ اَنَا هَرَبْتُ، وَمُدْرِكِيْ اِنْ اَنَا
فَرَرْتُ،

خداوندا! اگر بگریزم تو مرا خواهی جست، و اگر فرار کنم
تو مرا خواهی یافت.

فَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ رَاغِمٌ،

اینک این منم که در برابرتو، با خواری و ذلت و سرافکندگی ایستاده‌ام.

إِنْ تُعَذِّبْنِي فَإِنِّي لِلذِّلِّ أَهْلٌ، وَهُوَ يَا رَبِّ مِنْكَ
عَدْلٌ،

اگر عذابم کنی، قطعاً سزاوار آنم، و عذاب توای پروردگارم،
عین عدالت است.

وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي فَقَدِيمًا شَمَلَنِي عَفْوُكَ، وَالْبَسْتَنِي
عَافِيَتَكَ.

و اگر از من درگذری، دیرزمانی است که بخشش تو مرا فرا
گرفته و لباس عافیت را بر تنم پوشانده‌ای.

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ وَبِمَا وَارَتْهُ
الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ،

پس خداوندا، از تومی‌خواهم به حق آن نام‌های نهفته‌ات، و
به آن جمال و شکوهت که در پس پرده‌ها پنهان است

إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجُرُوعَةَ وَهَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ،
که براین وجود بی‌تاب و این پیکر هراسان رحم کنی؛

الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ
حَرَّ نَارِكَ؟!

وجودی که طاقت گرمای خورشیدت را ندارد، چگونه
طاقت گرمای آتشت را خواهد داشت؟!

وَالَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ
صَوْتَ غَضَبِكَ؟!

و پیکری که توان شنیدن صدای رعدت را ندارد، چگونه
توان شنیدن فریاد خشم تو را خواهد داشت؟!

فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَمْرٌ حَقِيرٌ، وَخَطَرِي يَسِيرٌ،
خداوندا بر من رحم کن که من بنده‌ای ناچیز و بی‌اهمیتم.

وَلَيْسَ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ،
و عذاب کردن من حتی ذره‌ای به فرمانروایی تو نمی‌افزاید.

وَلَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ
عَلَيْهِ وَأَحْبَبْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ لَكَ،

اگر مجازات من قرار بود چیزی به مُلک تو اضافه کند،
حتماً صبر بر آن را از تو می‌خواستم و دوست داشتم که این
عذاب را برای تو تحمل کنم.

وَلَكِنَّ سُلْطَانَكَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ، وَمُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ
أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةَ الْمُطِيعِينَ، أَوْ تَنْقُصَ مِنْهُ
مَعْصِيَةُ الْمُذْنِبِينَ.

اما خداوندا سلطنت تو بزرگتر و پادشاهی ات جاودان تر از آن
است که طاعت فرمانبرداران چیزی بر آن بیفزاید یا گناه
گناهکاران چیزی از آن بکاهد.

فَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَتَجَاوَزْ عَنِّي يَا ذَا
الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ.

پس بر من رحم کن ای مهربان ترین مهربانان، و از من درگذر
ای صاحب جلال و کرامت، و توبه ام را بپذیر که توبه سیار
توبه پذیر و مهربانی.